

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

852f224439837025fd1db2da9abcbd7096b371adfacc59900537bbe0ff2c17129

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

استقلال اقتصادی - تعداد فیش : 31 ، تعداد مقاله : 1

بیانات در دیدار مردم آذربایجان 1392/11/28

دو پیام در این راهپیمایی‌های بیست‌و‌دوم بهمن وجود داشته است: یکی پیام استقامت، یکی پیام وحدت. استقامت یعنی چه؟ یعنی ملت ایران بر روی آرمانهای انقلاب ایستادگی دارند. ما آرمانهای ایجابی هم داشتیم، آرمانهای سلبی هم داشتیم؛ آرمانهای ایجابی ما عبارت بوده است از اینکه: ما دنبال عدالت اجتماعی هستیم؛ ما دنبال حضور مردمی در حوادث گوناگون کشور هستیم؛ ما دنبال اسلام هستیم؛ ما سعادت کشور را در عمل به تعالیم اسلامی میدانیم؛ ما دنبال اقتصاد مستقل هستیم؛ دنبال فرهنگ غیر وابسته‌ی به بیگانگان و فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی خودمان هستیم؛ ما دنبال پناه دادن به مظلوم و مقابله‌ی با ظالم هستیم؛ ما دنبال پیشرفت کشور هستیم؛ ما دنبال برجستگی علمی کشور هستیم؛ میخواهیم کشورمان در علم، در اقتصاد، در فرهنگ، در امور اجتماعی، در اخلاق، در معنویت، پیشرو و پیشقدم باشد؛ پیامهای مثبت ایجابی انقلاب ما اینها است. يك پیامهای سلبی هم انقلاب داشت؛ پیام سلبی انقلاب این است که: ما تسلیم زورگویی نمیشویم، تسلیم باج‌خواهی نمیشویم، تسلیم نظام سلطه نمیشویم.

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست یافته‌ی به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال اینها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است. ملت ایران در انقلاب گفت، در حوادث بعدی گفت، در جنگ تحمیلی گفت، در این بیست‌و‌دوم بهمن گفت: ما تسلیم زورگویی و باج‌خواهی آمریکا نخواهیم شد.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی 1392/03/14

ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد. (...)

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفایی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهایی است که در فرمایشات امام واضح است.

بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد 1391/06/09

میهمانان عزیز!

امروز آرمانهای اصلی جنبش عدم تعهد با گذشت شش دهه همچنان زنده و پابرجاست؛ آرمانهایی مانند استعمارزدایی، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، عدم تعهد به قطبهای قدرت و ارتقاء همبستگی و همکاری میان کشورهای عضو. واقعیتهای امروز جهان با آن آرمانها دارای فاصله است؛ ولی اراده‌ی جمعی و تلاش همه‌جانبه برای عبور از واقعیتهای دست یافتن به آرمانها، هرچند پُر چالش، لیک امیدآفرین و ثمربخش است.

بیانات در دیدار دانشجویان 1391/05/16

ما با یک محاسبه‌ی، یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مازمن را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید می‌بینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و منابع این کشور و تصمیمهای مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ی برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام 1391/05/03

بعضی وانمود میکنند که آرمان‌گرایی با واقع‌بینی نمی‌سازد؛ این را ما بشدت رد میکنیم. بسیاری از آرمانهای جامعه‌ی ما و مطالبه‌ی آنها جزو واقعیتهای جامعه است. مردم مایلند عزت ملی داشته باشند، مردم مایلند زندگی ایماندار و دینمدار داشته باشند، مردم مایلند در امور اداره‌ی کشور و مدیریت کشور سهیم باشند - یعنی مردم‌سالاری - مردم مایلند پیشرفت داشته باشند، استقلال سیاسی و اقتصادی داشته باشند؛ اینها خواسته‌های عمومی مردم است. این خواسته‌ها، واقعیتهای جامعه است؛ این واقعیتهای دقیقاً در جهت آرمان‌خواهی است؛ اینها که مسائل تحلیلی و ذهنی نیست، اینها که موهومات نیست، اینها که ذهنیات نیست؛ اینها واقعیتهای جامعه است که در جامعه وجود دارد. یک جامعه‌ی زنده و مؤمن دنبال این چیزهاست؛ میخواهد عزت ملی داشته باشد، میخواهد استقلال داشته باشد، میخواهد پیشرفت داشته باشد، میخواهد آبروی بین‌المللی داشته باشد؛ اینها خواسته‌هایی است که مردم دارند؛ اینها در جهت آرمانهاست؛ و این خواستن، جزو واقعیتهای قطعی جامعه است. بنابراین واقعیتهای میتواند در خدمت و معطوف به آرمانها باشد. بله، ذکر آرمانها بدون توجه به واقعیتهای بدون ملاحظه‌ی سازوکارهای معقول و منطقی رسیدن به آرمانها، خیال‌پردازی است؛ آرمانها در حد شعار باقی خواهد ماند؛ لیکن وقتی که مسئولان کشور آرمانها را به صورت منطقی و متین دنبال کردند، مردم همراهی کردند، اینجا آنجایی است که واقعیتهای جامعه با آرمانها هماهنگ میشود. خب، این یک امر اساسی و یک پایه‌ی اساسی برای حرکت کشور است.

بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش 1391/02/10

ما تا به کار ایرانی و سرمایه‌ی ایرانی احترام نگذاریم، تولید ملی شکل نمی‌گیرد؛ و اگر تولید ملی شکل نگیرد، استقلال اقتصادی این کشور تحقق پیدا نمیکند؛ و اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ی تحقق پیدا نکند - یعنی در مسئله‌ی اقتصاد توانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمیکند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ی تحقق پیدا نکند، بقیه‌ی حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان 1388/02/27

یک نکته‌ای را در اینجا من عرض بکنم و آن مسئله‌ی جهانی شدن است. جهانی شدن، اسم خیلی فشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلاً باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الاً جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.

بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی 1387/02/15

از جمله‌ی آنچه که بنده در اول امسال خطاب به ملت ایران و مسئولین کشور بیان کردم، همین مسئله‌ی تکیه بر گسترش فضای فعالیت اقتصادی است. چرا؟ چون بخصوص دشمن روی این نقطه تکیه کرده است و تکیه می‌کند. عزیزان من! دشمن انقلاب اسلامی، در طول این سال‌های متمادی- قریب سی سال- از همه‌ی راه‌های ممکن برای شکستن عزم و اراده‌ی ملت ایران پیش آمده و وارد عمل شده؛ از توطئه‌ی سیاسی، از کودتای نظامی، از تحمیل جنگ هشت‌ساله، از تبلیغات زهرآلودی که به طور شبانه‌روز- متصل- از بلندگوهای صهیونیستی و استکباری علیه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی پخش می‌شود. همه‌ی کارها را کرده‌اند؛ به این نتیجه رسیده‌اند که بلکه بتوانند ملت ایران را در یک توطئه‌ی اقتصادی گرفتار کنند. این تازگی هم ندارد؛ از اول انقلاب تحریم اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی، به شکل‌های مختلف در کشور ما جریان داشته است؛ فشار آوردند، ملت ایستاد؛ در عین حال آن‌ها می‌خواهند همین را ادامه بدهند، بازم ملت ما می‌ایستد. همان طوری که در طول این سی سال گذشته، ملت ما بر توطئه‌ی محاصره‌ی اقتصادی فاتح آمد و گام‌های بلندی را در راه پیشرفت کشور از همه جهت برداشت، امروز هم علی‌رغم بددلی و سوء نیت سیاستمداران استکبار جهانی، ملت ما در مقابل هر توطئه‌ای- و بخصوص این توطئه- خواهد ایستاد.

راه کار هم این است که ملت ما دست به دست هم بدهند و کشور را از وابستگی اقتصادی نجات بدهند. انقلاب، ما را از وابستگی سیاسی نجات داد. در راه استقلال اقتصادی هم کارهای زیادی شده است؛ اما همت همه‌ی ملت ایران از قشرهای مختلف را می‌طلبد تا کشور بتواند از لحاظ اقتصادی کاری بکند که دیگر تهدید به تحریم و محاصره‌ی اقتصادی معنا پیدا نکند. این خطاب به همه‌ی ملت است، فقط خطاب به مردم ممسنی نیست؛ همه باید دست به دست هم بدهند. این کشور سرمایه‌های انسانی فراوانی دارد؛ سرمایه‌های مادی فراوانی هم دارد. با سرمایه‌گذاری لازم، با برنامه‌ریزی درست و متین و با پشتکار و جدیت، ما خواهیم توانست در مدت یک برنامه‌ی مشخصی، کاری بکنیم که دیگر کشور در عرصه‌ی اقتصادی دنیا از تحریم اقتصادی و محاصره‌ی اقتصادی، هیچ باکی نداشته باشد. این وظیفه‌ی ملی ماست، باید انجام بدهیم. هرکسی می‌تواند نقش داشته باشد. سرزمین وسیع و امکانات فراوانی هم داریم.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1385/03/29

اصل سوم، حفظ استقلال سیاسی است. این، خیلی مهم است؛ این، جزو مبانی اصولی نظام است. این استقلال، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختیایوس فرهنگی تحمیل شده‌ی به وسیله‌ی غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم؛ این هم یکی از اصول ماست. آن حرکتی، آن جریانی، آن شعاری و آن برنامه‌ریزی‌ای که در آن استقلال کشور و ملت دیده نشود، اصولگرایانه نیست.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی 1382/02/22

همان‌طور که می‌دانید، خاورمیانه مرکز ثروت و مرکز مهم جغرافیایی است و اهمیت دارد؛ طبعاً ما هم با خصوصیات برجسته‌ای که کشورمان دارد، در این منطقه هستیم. چرا ایران در این چالش، طرف توخته قدرت متجاوز و کانون متجاوز، یعنی امریکاست؟ همان‌گونه که گفتیم، اولاً به این دلیل که ایران کشوری بزرگ، ثروتمند و برخوردار از منابع بسیار مهم زیرزمینی است. دومین ذخیره‌ی گاز در سطح دنیا، متعلق به کشور ماست. ذخیره‌ی بسیار ارزشمند نفت و خیلی از منابع زیرزمینی دیگر متعلق به ایران است. کشوری است با جمعیت زیاد، موقعیت جغرافیایی حساس، مرز طولانی در خلیج فارس و دریای عمان؛ این‌ها همه امتیازات یک کشور است. راه تقریباً منحصر غرب به آسیای میانه و آن منطقه از دنیا هم از اینجا می‌گذرد. قهراً با این دلیل طبیعی، کشور ما ایران مورد توجه و طرف چالش امریکا قرار می‌گیرد. یک دلیل دیگر، هویت جمهوری اسلامی است. اینکه در نقطه‌ای از دنیا نظامی سر کار بیاید که معتقد به نفی ظلم و استبداد باشد؛ معتقد به نفی وابستگی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی به قطب‌های جهانی باشد؛ متکی و معتقد به مردم‌سالاری باشد- یعنی برانگیخته بودن از سوی مردم و ملت خود- و همه‌ی این مفاهیم را هم از مبانی دینی و اعتقادی و ایمانی گرفته باشد، نه از قراردادهای اجتماعی- که فرق بین دموکراسی غربی و مردم‌سالاری ما در همین است و جای بحث و صحبت کردن و تفصیل دارد- خیلی مهم است. مردم‌سالاری دینی چون بر اساس یک اعتقاد دینی است، قابل نقض نیست؛ یعنی اگر کسی توانست در انتخابات تقلب کند یا به شیوه‌ای نظر مردم را جلب کند که به‌ناحق نگاهشان به وی متوجه باشد- مثلاً ارزشی که در او نیست، وانمود کند که در او هست؛ بعد مردم به او اقبال کنند و رأی بدهند- در منطق مردم‌سالاری دینی او حقی ندارد. این شیوه در منطق لیبرالیسم که پایه‌ی لیبرالیسم غربی است، کاملاً پذیرفته شده است؛ اما در منطق مردم‌سالاری دینی نه. سخت‌گیری در اینجا، به‌خاطر اتکاء به مبانی دینی و ایمانی، بیشتر است. پس نفی ظلم، سلطه، استبداد، وابستگی و فساد، همه منبعث و برخاسته از اعتقاد دینی است. بدیهی است وقتی نظامی با این خصوصیات به وجود آید، برای هرکس که در هر جای دنیا معتقد به ظلم بین‌المللی، استبداد بین‌المللی، نفی حقوق ملتها و کشورها و معتقد به بی‌اعتنایی به مرزهای کشورهای مستقل است، دشمن و طرف مقابل و رقیب غیر قابل تحمیلی محسوب خواهد شد. به‌طور طبیعی این‌طور است. بنابراین وقتی یک سلطه‌ی بین‌المللی و یک ابرقدرت مثل امریکا، سیاست و راهبردش را بر این قرار می‌دهد که منافع خودش را تأمین کند، اگر منابع کشورهای دیگر به خطر بیفتد، برایش مهم نیست. وقتی نظامی با آن خصوصیات مثبت در دنیا وجود داشته باشد- بخصوص در منطقه‌ای که کانون توجه امریکا از لحاظ منافع است- بدیهی است بین این‌ها تضاد و چالش، یک امر قهری و حتمی و اجتناب‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس 1381/03/07

استقلال اقتصادی کشور نیز در کنار کارایی بخشهای اقتصادی، بسیار مهم است. در گزارش هم اشاره شد که بحمد الله در بخشهای اقتصادی، قانون‌گذاری‌های زیادی شده است. البته من الآن از تفصیل قانون‌گذاریها استحضاری ندارم. نفس اهتمام به این مسئله، مهم است. امروز این باید جزو مسائل اساسی ما به حساب آید. مردم در زمینه‌های اقتصادی، مشکلات فراوانی دارند. یکی از مشکلات عبارت است از شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداری‌های ناروا در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین. این، مردم را آزار می‌دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گرنده است. در قوانین، شما باید این‌ها را مراعات کنید؛ با قانون می‌توانید جلو این‌ها را تا حد زیادی بگیرید. البته قانون، همه چیز نیست؛ باید مدیریت اجرایی خوب حتماً وجود داشته باشد تا قانون کارایی خود را نشان دهد؛ لیکن قانون هم سهم بسیار زیادی دارد.

بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان 1380/10/12

مسئولان دارای ایمان و انگیزه‌اند؛ لذا همه‌ی ابزار و وسایل کار را باید جمع کنند. کشور ما به طور طبیعی فقیر نیست؛ ما امکانات فراوان طبیعی کم نداریم؛ از لحاظ نیروی انسانی هم کشور ما بالقوه ثروتمند است؛ لذا مسئولان باید از این امکانات استفاده کنند و چهره‌ی زشت فقر و نیاز و عدم استقلال در زمینه‌های اقتصادی را از این کشور پاک کنند و بزدایند. این کار- همان‌طور که عرض کردیم- احتیاج دارد به اینکه در داخل این مجموعه، ایمان و تخصص و تجربه و کارایی و انگیزه و خلاصه کار جهادی تحقق پیدا کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران 1379/02/23

یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته‌ی به کمپانیهای جهانی نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد.

ارزشها که می‌گویم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در رأس کارها. ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟ روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مؤمن. آن چیزی که توانست این بنا رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرن‌ها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از اینکه ارزشهایی از این قبیل که عرض کردیم پایه‌ی بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه از عالم براساس این ارزشها به وجود آید. برای این‌ها مردم فداکاری کردند و جان خود و فرزندانشان را در معرض جهاد فی سبیل الله و شهادت قرار دادند و بسیاری هم شهید شدند. مردم می‌دانستند چه می‌خواهند؛ مردم دنبال این ارزشها بودند. من بعداً عرض خواهم کرد که همه‌ی این ارزشها در جامعه قابل تحقق است و آنچه به‌وسیله‌ی نظام اسلامی به وجود آمد، آن مقداری بود که هیچ‌کس گمان آن را هم نداشت و تصور آن را هم نمی‌کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران 1379/02/23

سه عنصر در اینجا اساسی است: یکی ارزشهایی که انقلاب براساس آنها پدید آمده است، مورد توجه باشد و به شدت از آنها حراست شود. دوم اینکه این ارزشها را باهم ببینند. اینطور نباشد که یکی به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی توجه کند، اما به دینداری توجه نکند؛ یا به دینداری توجه کند؛ یا به آزادی فکر و بیان توجه کند، به حفظ دین و ایمان مردم توجه نکند. اگر اینطور باشد، کار ناقص انجام می‌گیرد. باید به همه‌ی مجموعه ارزشها توجه شود. بالاتر از همه، دستگاه‌های حکومتی هستند که باید به تمام این ارزشها توجه کنند و همه‌ی آنها را مورد حفاظت و حراست قرار دهند. عنصر سوم، حرکت به جلو است. رکود و سکون و سکوت موجب می‌شود که جمود و تحجّر و کهنگی به وجود آید و ارزشها کارایی خودش را از دست بدهد. کهنگی، دنباله‌اش ویرانی است. اگر بخواهند کهنگی به وجود نیاید، باید پیشرفت و حرکت به جلو باشد. این حرکت به جلو، همانی است که من در روز تاسوعا از آن به «اصلاحات انقلابی» تعبیر کردم. اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزشهای انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. این، آن اصول اساسی است. به ارزشها توجه کنیم؛ در ارزشها تعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزشها تحوّل و حرکت به جلو را با جدّیت تمام دنبال کنیم.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1378/02/15

ما امروز دنبال استقلال اقتصادی هستیم؛ دنبال رها شدن کشور از وابستگی به نفت هستیم. امروز می‌خواهیم در وضع اقتصادی کشور ترتیبی داده شود که پایین آمدن فلان مقدار از قیمت یک بشکه نفت، نتواند در کشور ما این همه تأثیر بگذارد. این کارها چگونه ممکن است؟ اگر ما بخواهیم خودمان را از نفت بی‌نیاز کنیم، غیر از این است که باید به محیط کار، به جامعه‌ی کارگری، به مسأله‌ی کارگاهها و به مسأله‌ی آموزش کارگران، اهتمام ویژه‌ای بشود؛ البته دولت بحمد الله در این کارها مشغول است. حقیقتاً برادران ما در دولت، کارهای بالارزشی انجام می‌دهند؛ اما می‌خواهم عرض کنم که یکی از اساسی‌ترین کارهای کشور این است. هم مجلس، هم دولت، هم مسئولان گوناگون، باید به مسأله‌ی کار و کارگر به چشم موضوعی که گاهی با آن مواجه می‌شوند و یک تنگنایی پیدا می‌شود، نگاه نکنند؛ به چشم یک مسأله‌ی اساسی و حقیقی کشور نگاه کنند. کارگران ما البته نجیبند، مؤمنند، هوشیارند و متوجه توطئه‌های دشمن هستند. اگر این خیل عظیم کارگری ما، مردمان هوشیاری نبودند و به انقلاب و دین و دولت و نظامشان علاقه نداشتند، امروز دشمنان ما در محیطهای کارگری فاجعه می‌آفریدند. الآن هم تلاش می‌کنند، اما اینها قویند. کارگران ما این قشر نجیب، این قشر مؤمن، این قشر زحمتکش بحمد الله هوشیار و متوجهند و زیر بار توطئه‌های آنها نمی‌روند. باید این تلاشهایی که می‌شود، ادامه پیدا کند و تقویت شود. توسعه‌ی اقتصادی، بدون تقویت مسائل کار و نگاه به کار، امکان‌پذیر نیست. این انسانی که خودش را صرف این کار می‌کند، باید بداند که نظام پشتیبان اوست.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) 1377/03/14

در نظام وابسته‌ی منسوخ و برافزاده‌ی قبل از انقلاب، مردم دچار فساد و بی‌بندوباری بودند، یا به تعبیر درست‌تر، به سمت فساد و بی‌بندوباری و خودباختگی و بی‌ایمانی سوق داده می‌شدند. یعنی حرکت ملت را این طور تنظیم کرده بودند که روز به روز در کشور، بی‌ایمانی همه‌گیرتر شود و مردم از ایمان معنوی درست محروم بمانند و به فساد و بی‌بندوباری کشانده شوند و خودباختگی در مقابل بیگانگان در آنها تقویت گردد و استقلال اقتصادی و فرهنگی در کشور، مفهومی نداشته باشد. جهت کلی حرکت در آن نظام منسوخ و فاسد، این بود.

در این مرحله، هنر بزرگ امام بزرگوار در این بود که به جای آن نظام فاسد، یک نظام سیاسی در این کشور برقرار کرد که به جای بی‌اعتنایی به مردم، عشق به مردم بر آن حاکم است. به جای بی‌توجهی به سرنوشت ملت، بخصوص سرنوشت جوانان، عشق به سرنوشت ملت و عشق به سرنوشت جوانان و اهمیت فوق‌العاده به آنها در آن مطرح است. به جای خودباختگی در مقابل بیگانگان، خودباوری در میان مردم روز به روز توسعه پیدا می‌کند. به جای وابستگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هدف قرار گرفته است.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس 1376/02/03

آمریکاییها سعی کرده‌اند این طور وانمود کنند و جا بیندازند که غرب، یعنی آمریکا و اصلاً بلوک غرب، بدون آمریکا معنا نمی‌دهد. البته واقعیت این نیست. من در چند سال قبل از این در زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه به یکی از این سیاستمداران اروپایی گفتم: ما هیچ‌وقت حاضر نیستیم استقلال خودمان را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، به هیچ‌چیزی بفروشیم و معامله کنیم؛ اما غرب به عنوان یک طرف برای جمهوری اسلامی مطرح است؛ مشروط بر اینکه غرب به معنای آمریکا نباشد. ملت ایران از آمریکا نمی‌گذرد و با او کنار نمی‌آید. به او گفتم: آمریکا سعی می‌کند این طور وانمود کند که غرب مساوی با آمریکا است. ما می‌گوییم که این طور نیست؛ اما اگر کشورهای اروپایی می‌خواهند تصدیق کنند که غرب منهای آمریکا معنا ندارد، ملت ایران هیچ اهمیتی نمی‌دهد که غرب را به عنوان یک طرف تجاری و سیاسی و معاملی خودش نداشته باشد. این طور نیست که خیال کنید ملت ایران، به ارتباط با یک کشور، یا با مجموعه‌ای از کشورها نیاز دارد. البته همه‌ی کشورها در دنیا، به نحوی از ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به یک معنا، همه به نحوی به هم احتیاج دارند این محلّ بحث ما نیست اما اینکه کسی خیال کند ملت ایران یا دولت جمهوری اسلامی ایران، ناچار است با فلان مجموعه از کشورها ارتباط داشته باشد، این خطای فاحش و غلط بزرگی است. امروز هم ما همین حرف را تکرار می‌کنیم. ما دنیا را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. ما کشورهای گوناگون را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. آن دولتهایی که به ملت ایران بدی کرده‌اند، با آن دولتهایی که به عنوان یک طرف سالم در زمینه‌های گوناگون مطرح شده‌اند، یکسان نیستند.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1376/01/21

برخلاف تبلیغات مغرضانه‌ی دشمنان، ملت ایران حج را جایگاه رفیعی برای رشد آگاهی امت اسلام می‌شمارد و از حضور خود به نفع همه‌ی جهان اسلام و نه فقط منافع خود بهره می‌طلبد. ملت ایران حامل تجربه‌ی گران‌قیمتی برای همه‌ی کشورهای اسلامی است. این ملت عظیم‌الشرایف توانسته است به برکت حاکمیت اسلام، در همه‌ی عرصه‌ها به موفقیت‌های بزرگ دست یابد؛ استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را که در دوران طاغوت یکسره از دست رفته بود، به دست آورد و حفظ کند؛ عظمت و شوکت اسلام را در مواجهه با قضایای جهانی نشان دهد؛ از مرزهای خود در برابر تهاجم چندین‌ساله‌ی که با فکر و سلاح و پول دشمنان اسلام به راه افتاده بود، به‌طور کامل دفاع کند؛ پس از جنگ هشت‌ساله، کشور را بازسازی کند و معجزه‌ی انقلاب را در نوسازی زیربنایی کشور نشان دهد؛ در مجموعه‌ی جهانی، جایگاهی عزیز و رفیع به دست آورد؛ دولتهای مردمی و منتخب خود را یکی پس از دیگری در کشور بر سر کار آورد؛ کاروان علم و تحقیق و پیشرفت صنعتی و کشاورزی را به راه اندازد و گامهای بلندی در راه توسعه‌ی کشور بر دارد؛ در سیاست جهانی، صریحاً از مواضع حقی که بدان مؤمن است، دفاع کند؛ مسأله‌ی فلسطین را در صدر مسائل جهان اسلام دانسته و علی‌رغم آمریکا و صهیونیسم که خواسته‌اند این مسئله به فراموشی سپرده شود، به طور مداوم آن را در همه جا و همه وقت مطرح سازد؛ به مردم مظلوم بوسنی کمکهای مؤثر برساند؛ در همه‌ی قضایای محنت بار ملل اسلامی، دست یاری به سوی آنان دراز کند و با وجود فشارهای روز افزون استکبار و تهدیدهای مداوم آمریکا، باصلابت و قدرت، در این راه‌ها به جلو رود. این تجربه‌ی ذی‌قیمتی برای همه‌ی دولتها و ملتهای مسلمان است.

بیانات در اجتماع زنان خوزستان 1375/12/20

دختران مسلمان و زنان مؤمن! این را هم بگویم: اروپایی که امروز ادّعا می‌کند زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش به زن اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند! یعنی مثلاً یک زن اروپایی یا آمریکایی، تا پنجاه، شصت سال قبل از این، اگر میلیونها ثروت داشت، خودش حق نداشت که از این ثروت، به میل و اراده‌ی خودش استفاده کند؛ باید در اختیار شوهر یا پدر و یا برادرش می‌گذاشت و آنها هم به میل خودشان از ثروت آن خانم- یا برای او و یا برای خودشان- استفاده می‌کردند! در اسلام، این طور نیست. در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد، یا راضی نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد- فرقی نمی‌کند- او می‌تواند ثروت و مال و اندوخته‌ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. در حمایت از استقلال اقتصادی زنان، دنیا سیزده قرن است که از اسلام عقب است. اسلام این را سیزده قرن قبل گفته است؛ ولی در اروپا تازه چهل، پنجاه سال و در بعضی از کشورها کمتر از این مدّت است که تازه شروع کرده‌اند به زن اجازه دهند که در مال و

ملک خود، دخل و تصرف کند! اسلام، از این جهت هم جلو است.

بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش 1375/01/28

امروز به فضل پروردگار، دولت جمهوری اسلامی، چنین است. رئیس‌جمهور ایران، مسئولان کشور و نمایندگان مجلس این گونه‌اند. رئیس‌جمهور ایران در برابر چشمهای مستفسر دنیا در قضیه‌ی مسائل فلسطین و لبنان و بوسنی، مواضعی می‌گیرد که دشمنان، دندان به زنجیر می‌سایند و از فرط خشم و عصبانیت، زنجیر می‌چونند! این، استقلال سیاسی است با مواضع سیاسی محکم. لکن بالاتر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که در زمینه‌ی پول، در زمینه‌ی سازوکارهای اقتصادی و در زمینه‌ی فعالیتها اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه‌ی بخشها قطع کنند. یکی از بخشها هم، شما ارتشیان عزیز هستید؛ که باید وابستگی‌تان را قطع کنید.

بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش 1375/01/28

در جنگ هم آن فرماندهی حزب‌اللهی، آن طور حرکت کرد. در مقام فرماندهی هم، فرماندهان حزب‌اللهی- دیروز و امروز- همیشه سعی و تلاش کردند. در سازندگی هم همین‌طور. به‌رحال ارتش، بخشی از قطع وابستگی اقتصادی را در درون خود دارد و آن، وابستگی فنی و علمی است. اینجا فقط وابستگی اقتصادی نیست؛ وابستگی فنی هم هست؛ وابستگی علمی و فنی و به اصطلاح تکنولوژیک. باید این وابستگیها قطع شود. البته در حال قطع شدن هست، اما بیشتر از این قطع کنید. باید بسازید! باید خودتان در درون ارتش بجوشید و بجوشانید! اینکه من بر روی نوسازی و بهسازی و تعمیر و ابتکار در ارتش تکیه می‌کنم، به‌خاطر این است. شما ظرفیت هم دارید. نیروی هوایی ظرفیت زیادی دارد. نیروی دریایی ظرفیت زیادی دارد. نیروی زمینی ظرفیت زیادی دارد. شما در بخشهای مختلف، ظرفیت برای کار علمی، فنی و نوآوری و ابتکار، زیاد دارید. هیچ‌وقت هم نگویید چون فلان چیز را نخریده‌ایم، نداریم. فلان ابزار را نخریدیم، بهتر! فلان وسایل جدید را وارد نکردیم، بهتر! اگر وارد می‌کردیم که شما برای کار کردن به صورت نوسازی، عرفتان در نمی‌آمد. اگر دروازه‌ها در جاهایی به رویمان بسته است، قدر بدانید. اگر دروازه‌ها باز باشد، روح سهل‌انگاری و تنبلی انسان نمی‌گذارد او به جایی برسد. انگیزه‌ی بزرگی لازم است که انسان را به تلاش در کارها وادار کند. آن‌ها که دائماً نوآوری می‌کنند، به این سبب است که روند علمی‌شان به این حرکت وادارشان کرده و بعد کار برایشان روان شده است. وانگهی، پول و استعمار دنیا را پشت سر خود دارند. امروز غربی‌ها به وسیله‌ی علم، خودشان را بر دنیا مسلط کرده‌اند. برای آن‌ها انگیزه وجود دارد. کشورهای از لحاظ علمی عقب نکه داشته شده هم برای پیشرفت و حرکت، باید در خود انگیزه ایجاد کنند. یکی از عوامل ایجاد انگیزه این است که راه‌ها بسته باشد. خدا را شکر می‌کنیم که راه‌ها کاملاً باز نیست و در جاهایی بسته است.

بیانات در دیدار مردم ساری 1374/07/22

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فلنحییته حیاة طیبه». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خدانشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

مانچه‌را که فهمیده‌ایم، آنچه را که تکلیفمان است، آنچه را که می‌دانیم خدای متعال آن را می‌خواهد؛ آن‌رامی‌گوییم، آن را انتخاب می‌کنیم و آن راه‌رامی‌رویم. کسی نمی‌تواند روی ملت و دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران و خدمتگزاران شمامردم، تأثیری بگذارد. این، استقلال سیاسی است و ما، این را به‌دست آورده‌ایم. از این مشکلتر، «استقلال اقتصادی» است. استقلال اقتصادی، یعنی ملت و کشور، در تلاش اقتصادی خود روی پای خود بایستد و به کسی احتیاج نداشته باشد. معنایش این نیست که ملتی که استقلال اقتصادی دارد، با هیچ‌کس در دنیا داد و ستد نمی‌کند؛ نه. داد و ستد، دلیل ضعف نیست. چیزی را خریدن، چیزی را فروختن، معامله کردن، گفتگوی تجاری کردن، اینها دلیل ضعف نیست. اما باید طوری باشد که یک ملت، اولاً نیازهای اصلی خودش را بتواند خودش فراهم کند. ثانیاً، در معادلات اقتصادی دنیا و مبادلات جهانی، وزنه‌ای باشد. نتوانند او را به آسانی کنار بگذارند؛ نتوانند او را به آسانی محاصره کنند؛ نتوانند او را به آسانی فرو دهند و هر چه می‌خواهند به او املا کنند. امروز کشورهایی که از لحاظ اقتصادی پیشرفته هستند و قدرتی دارند - و متأسفانه استعمار و استکبار دنیا را هم در اختیار دارند و دنبال می‌کنند اگر بخواهند با کشوری کالایی را مبادله کنند و داد و ستد و همکاری داشته باشند، مواردی را به آن کشور تحمیل می‌کنند. اقتصاد مستقل یک کشور، یعنی آن چیزی که کشور لازم دارد، در داخل کشور قابل تأمین باشد؛ کارخانه‌های کشور، همه کار کنند و کارگران کشور، کار را وظیفه انسانی و دینی و وجدانی خودشان بدانند. کارگر هم فقط کسی نیست که در کارخانه است. هرکس که یک کار مفید در این مملکت انجام می‌دهد، یک کارگر است. یک نویسنده، یک هنرمند، یک معلم، یک مبتکر و یک محقق، اینها هم کارگرند. کارگری افتخار است. افتخار است که کسی کارگر باشد؛ چه رسد به آن بازوها و پنجه‌های توانا و قدرتمندی که این چرخهای کارخانه‌ها را به کار می‌اندازند؛ که اگر آن بازوها نباشند، آن چرخها به کار نخواهد افتاد و ملتی که به چنین وضعی دچار شود، روزگارش سیاه خواهد بود.

حالا ما به استقلال اقتصادی رسیده‌ایم یا نه؟ من عرض می‌کنم این همان است که مشکلتر است. باید تلاش کنیم. البته می‌توانیم امروز ادعای استقلال اقتصادی کنیم؛ اما به شرطها و شروطها. این، چند شرط دارد: اولاً این که در کشور، هر کس، هر کاری را که به عهده دارد، خوب انجام دهد. فرمود: «رحم الله امرء عمل عملاً فاتقنه»؛ خدا رحمت کند آن کسی را که کاری انجام دهد و آن را محکم و متقن انجام دهد؛ خوب انجام دهد. شما اگر یک پیچ را می‌گردانید و سفت می‌کنید، اگر یک چرخ را می‌چرخانید، اگر جایی یک بخیه می‌زنید، اگر ماشینی را گریسکاری می‌کنید، اگر کتابی را چاپ می‌کنید، اگر کتابی را می‌نویسید، اگر سر کلاس درس می‌دهید، اگر در بیمارستان به بیماران می‌رسید، اگر در شهرداری مشغول تمیز کردن معابر شهری مردم خودتان هستید، اگر گوبنده‌اید، اگر نویسنده‌اید، اگر محققید، اگر روحانی هستید، اگر مشغول تحصیل و درس خواندن هستید، اگر در دانشگاه یا مدرسه هستید، اگر در کار هنر مشغولید، اگر فیلمسازید، اگر داستان نویس هستید، اگر روزنامه نگارید؛ هر چه هستید و هر که هستید و هر جا کار می‌کنید، باید سعی کنید کاری را که انجام می‌دهید، درست انجام دهید، کامل انجام دهید، محکم انجام دهید، و کم نگذارید. این، یکی از شرایطی است که اگر محقق شود، مابه استقلال اقتصادی می‌رسیم.

شرط دوم این است کسانی که پول و امکانات دارند، فقط به فکر خودشان نباشند؛ چون آن پول هم از همین کشور به‌دست آمده، آن پول هم در سایه همین ملت و از همین آب و خاک به‌دست آمده است. چه کسی می‌تواند بگوید «من پول دارم و در پولدارشدن خودم، مرهون خدمات و کمکهای دولت و ملت نیستم»؟ مگر چنین چیزی می‌شود؟ از آسمان که برای انسان پول نمی‌ریزند! پول در همین زندگی و تلاش روزمره به‌دست می‌آید. هزاران نفر کار می‌کنند؛ یک نفر تصادفاً پولدار می‌شود. کسانی که پول و امکان دارند، این پول را فقط برای استفاده خودشان مصرف نکنند. شما اگر می‌خواهی در جایی سرمایه‌گذاری کنی و به کاری بپرداز، فقط به فکر این نباش که این کار چقدر به من سود می‌رساند؟ ما نمی‌گوییم هیچ ملاحظه شخص خودتان را نکنید. می‌گوییم ملاحظه کشورتان را هم بکنید. سرمایه‌گذاری مضر نکنید. سرمایه‌گذاری بی‌فایده نکنید. در کاری که تولید آن، مملکت را به پیش نمی‌برد سرمایه‌گذاری نکنید. کسانی که پول و امکانات دارند، وجدان دینی و احساس مسؤلیت داشته باشند.

شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته‌باشد. من عرض می‌کنم چه خوب است کارخانه‌هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت است و چه آنهایی که در اختیار مردم است - امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است - یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدیشان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می‌فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته‌باشد. من عرض می‌کنم چه خوب است کارخانه‌هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت

است و چه آنهایی که در اختیار مردم است امروز تعداد زیادی از واحدهای تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدیشان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه‌ی دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می‌فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند. این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.

چیزی را به بازار خواست بشر در سطح جهان عرضه کنید که چشمها را به طرف شما بگرداند و به آن احساس احتیاج کنند. فقط ادعا نباشد. در این میدان باید واقعاً عمل باشد. این هم یک شرط است. بعد، دستگاه‌های علمی کشور به کمک اقتصاد کشور بیایند. متفکران دانشگاهها بیایند و برای دولت کار کنند. دولت تکیه به متفکران و علمایی کند که در دانشگاهها هستند و درس می‌خوانند. خیال هم نکنند که تحقیق و حرف فلان متفکر اروپایی که چیزی گفته، همیشه همین است. امروز چیزی می‌گویند و بیست سال دیگر، ده سال دیگر، پنج سال دیگر، یک نفر عالم دیگر می‌آید و آن حرف را باطل می‌کند و حرف دیگری می‌زند. چرا ما عادت کرده‌ایم هرچه غربی‌ها گفتند، بی‌قید و شرط قبول کنیم و دست روی دست بگذاریم و از آنها گوش کنیم و بپذیریم؟! شما باید درستش را پیدا کنید. اقتصاددانان کشور ما باید آنچه را که با اوضاع سرزمین ما، با عقاید ما، با خصوصیات مملکت ما و متناسب با مسائل اقتصادی ماست، پیدا کنند. همین‌طور که اینجا اظهار شد، امروز ما می‌بینیم بحمد الله طرحهای جدید اقتصادی از طرف دولت و مسئولین کشور در جریان است. این طرحهای اقتصادی آن‌طور که مسئولین آنها بیان می‌کنند این شاء الله در آینده نتایج شیرین و خوبی خواهد داشت و امیدواریم که آن آینده، زودتر برسد. اما من این را می‌خواهم عرض کنم که فشرهای محروم و فقیر و کم‌درآمد، که گران شدن یک جنس فوراً در زندگی شخصی‌شان اثر می‌گذارد، باید تحت حمایت و پوشش قرار گیرند. این را عرض می‌کنیم تا مسئولین مسائل اقتصادی و بخشهای مختلف اقتصادی و کسانی که کار و تولید در اختیارشان است، روی این قضایا درست فکر کنند و این فشرهای آسیب‌پذیر و به اصطلاح مستضعفین و محرومین و کم‌درآمدها، به نحوی کمک شوند، تا این شاء الله این ملت بتواند اقتصاد را شکوفا کند. این می‌شود استقلال اقتصادی.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقای که خودش به حساب آنچه که ما می‌بینیم خسر دنیا و الآخرة است، برمی‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر دنیا و الآخرة شده‌اند!» می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر دنیا و الآخرة شدند.» چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر دنیا و الآخرة بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست‌نشانده‌ی فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده‌ی آزادی گام نهد، خسر دنیا و الآخرة است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دلباخته‌ی دین و عاشق راه خدا، خسر دنیا و الآخرة‌اند؟! خودشان خسر دنیا و الآخرة‌اند! کسی که این را می‌گوید، حقیقتاً خسر دنیا و الآخرة است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیا نکت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرفها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای اینکه مردم را متزلزل کنند؛ برای اینکه ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.

پیام به کنگره عظیم حج 1370/03/26

دومین مسئله‌ی که شایسته است بخصوص در این زمان و مکان به آن اندیشیده شود، مسأله‌ی پیوند امت اسلامی است با تاریخ خود و نیز با سرنوشتی که باید برای خود رقم زند. گذشته‌ی امت اسلامی چیزی است که استعمار از هنگام ورود به آسیا و آفریقا، همت بر مخدوش ساختن و به فراموشی سپردن آن داشته است. تسلط بر ذخایر مادّی و انسانی در کشورهای اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت ملت‌های مسلمان که هدف استعمارگران، مستقیم و غیر مستقیم، از اواخر قرن هجدهم میلادی به این طرف بوده به طور طبیعی ایجاب می‌کرد که احساس غرور و شخصیت ملل مسلمان شکسته شود و آنها از گذشته‌ی پُرشکوه کاملاً منقطع شوند و بدین‌گونه فرهنگ و اخلاق خود را رها کرده، آماده‌ی پذیرش فرهنگ غرب و تعالیم استعماری شوند. و این حيله، در زمینه‌ی کاملاً مساعدی که تسلط حکومت‌های فاسد و مستبد در کشورهای اسلامی فراهم آورده بود، کارگر افتاد و سیل فرهنگ مهاجم غربی و همه‌ی مفاهیمی که استعمار رواج آن را در میان ملل مسلمان برای تأمین سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی خود بر آن ملتها ضروری می‌شمرد، به راه افتاد و نتیجه آن شد که در طول دوپست سال، کشورهای اسلامی یکسره به سفره‌ی گسترده و بی‌مانع و رادعی برای غارتگران غربی تبدیل شد و آنان از حاکمیت مستقیم گرفته، تا مالکیت ثروت‌های زیرزمینی و تغییر خط یا زبان و حتّی تصرف کامل یک کشور اسلامی مانند فلسطین و تحقیر مقدسات اسلامی و غیره، در این کشورها پیش رفتند و مسلمین را از همه‌ی برکات استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که از جمله‌ی آن، رشد علمی و فرهنگی است بازداشتند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1369/01/10

با این خصوصیات مشترک، اسلام مخالف بود و اعلام مخالفت کرد و گفت که حکومت جمهوری اسلامی، استقلال کامل ملت تحت تابعیت خود را تضمین و تأمین می‌کند. این استقلال کامل، شامل استقلال سیاسی و اقتصادی و بالاتر از همه، استقلال فرهنگی است. یعنی جمهوری اسلامی، به این اکتفا نکرد که حکومتی را مستقل از قدرتها به وجود بیاورد؛ این قدم اول است. کشورهایی که به استقلال می‌رسند، قدم اول استقلال آنها همین است که نظام سیاسی خودشان را مستقل کنند؛ یعنی حکومتی مستقل از نفوذ قدرتها بیگانه به وجود آورند. به این هم اکتفا نکرد که در جهت استقلال اقتصادی حرکت بکند. استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیرپاتر است. می‌بینید که به آسانی نمی‌شود رشته‌های نفوذ و سلطه‌ی اقتصادی قدرتها و دولتهای بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیاری از چیزهای دیگر دارد. کشورهای انقلابی و کشورهای بی‌تازه به استقلال می‌رسند، برای به دست آوردن همه‌ی این مقدمات و ابزار استقلال اقتصادی، دچار زحمت و دردمسندی.

کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. درست است که قبل از انقلاب، تسلط حکومت‌های وابسته، یک اقتصاد کاملاً وابسته‌ی به غرب و بخصوص آمریکا را در این کشور رشد داده بود و بریدن این رشته‌ها کار بسیار دشواری بود؛ اما این رشته‌ها بریده شد و ما توانستیم در جهت استقلال اقتصادی حرکت کنیم. البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند و کسانی که می‌توانند در این مقصود مهم ملی کمک کنند هرگونه کمکی آن را باید انجام دهند. برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه‌ی این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود.

بیشتر کشورهای انقلابی در قرن معاصر، متمایل به شرق بودند. این‌ها از دولتها و قدرتهای شرقی استفاده می‌کردند. مثلاً وقتی که چین انقلاب کرد، تا ده سال بلکه بیشتر، کشور شوروی که برادر بزرگ او محسوب می‌شد و در انقلاب سوسیالیستی پیش‌گام بود به چین کمک اقتصادی و فنی می‌کرد و متخصص و کارشناس به آن کشور می‌فرستاد. سایر کشورهای کمونیستی هم همین‌گونه بودند. اما جمهوری اسلامی، برای بریدن رشته‌های پیوند و وابستگی اقتصادی خود، فقط به اراده‌ی نیرومند ملت خویش و استعداد درخشان ایرانیان متکی بود و هست. پس، در راه استقلال اقتصادی، ملت ما پیش رفت و بازهم پیش می‌رود و بحمد الله برنامه‌ریزها در همین جهت حرکت می‌کند و باید هم بکند.

بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد 1369/01/04

از اعلی مرتبه‌ی نفوذ یک روحانی در گذشته، این بود که امور فردی محض را که تازه همه هم عمل نمی‌کردند و دلخواهی بود روی کاغذ بنویسد و پخش کند و آنهایی که دلشان می‌خواست بگویند ما مقلد آن آقا هستیم، به همه و یا به بخشی از آن عمل کنند. این کجا، آنکه امروز هست، کجا؟ امروز، روحانیت است که بر تمام دستگاه‌های

اقتصادی کشور مشرف است. امروز، اگر آن شخص روحانی که سیاستهای کشور را او باید بگذارد یعنی مقام رهبری بگوید که مثلاً شما در بخش صنعت با فلان خصوصیات، حق ندارید یک ریال سرمایه‌گذاری کنید، دولت در آن بخش، یک ریال سرمایه‌گذاری نخواهد کرد. امروز، سیاست‌گذاری روحانی می‌تواند مملکت را به سمت کشاورزی بکشد، به سمت صنعتی بکشد، خدای نکرده به سمت وابستگی بکشد، یا به سمت خودکفایی و استقلال و شکوفایی اقتصادی سوق دهد، یا به سمت رکود اقتصادی بکشد. این کجا، آن کجا؟ اصلاً قابل مقایسه است؟ سعه کار شما و حوزه‌های علمیه، این‌قدر تفاوت کرده است.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم 1368/09/15

همه‌ی مردم کشور و مخصوصاً قشرهای بافرهنگ و برخوردار از سواد و علم و معرفت بدانند که استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرتهای بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند.

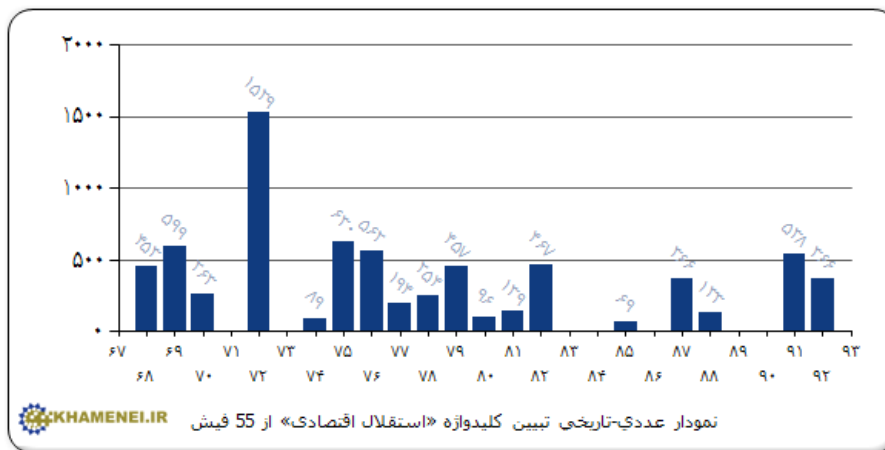
در دنیا، سررشته‌ی فرهنگ دست عده‌ی است که آن‌ها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و نشیست و برخاست و اخلاق و معرفت را برای انسانهای بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند و تعیین سرمشق می‌کنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته‌ی بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه‌ی فرهنگ بیگانه قرار بگیرد، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است؛ ملتی است که تلاشهای استقلال‌طلبانه‌ی سیاسی و اقتصادی او نیز تحت تأثیر کسانی خواهد بود که سررشته‌ی فرهنگ را در دست و اختیار دارند.

بیانات در دیدار انجمنی جمعه و مسئولان و افشار مختلف مردم سراسر کشور 1368/09/01

باید این ملت بتدریج، با ابتکار و تلاش خود و با قوت مدیریتی که بر آن اعمال می‌شود و نیز با وحدتی که همه‌ی مردم در جهت آزادی و استقلال دارند و همچنین با آشنایی آن‌ها به توطئه و ترفندهای تبلیغاتی دشمن، به طرف آزادی و استقلال کامل اقتصادی برود. البته، مقدمه‌ی این استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی است. کشورهایی که از لحاظ سیاسی وابسته هستند، قادر نخواهند بود و اصلاً انگیزه ندارند که آزادی و استقلال اقتصادی را به دست آورند. بحمد الله در مملکت ما، استقلال و آزادی سیاسی وجود دارد که دنباله‌ی آن، استقلال اقتصادی و بالاتر از همه استقلال فرهنگی است؛ آن هم فرهنگ مستقل با طرد نشانه‌های فرهنگ منحط و فاسد غربی از جامعه. در این باره، حرف‌ها و بحثهای زیادی است که فعلاً می‌گذریم.

تنفیذ حکم اولین دوره‌ی ریاست جمهوری حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی‌رفسنجانی 1368/05/12

در پایان، رئیس‌جمهور محترم و کسانی را که در اداره‌ی کشور توفیق همکاری با ایشان را خواهند داشت، به رعایت تقوا و تداوم یاد خدا و حسن سلوک در ارتباط با مردم و بخصوص قشرهای ضعیف و محروم که صاحبان انقلاب و سربازان همیشه در صحنه‌ی آن می‌باشند و رعایت عزت و عظمت اسلام و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی در تنظیم روابط خارجی توصیه می‌کنم و ملت عزیز را نیز به همکاری و حمایت کامل از این مسئولین دلسوز و لایق دعوت می‌نمایم و امید و اطمینان کامل دارم که با وحدت کلمه‌ی ملت و تلاش مخلصانه‌ی مسئولین و حرکت عمومی همه‌ی افشار مردم در همکاری و کمک به مجریان امور، این ملت بزرگ خواهد توانست به همه‌ی آرزوهای بزرگ خود دست یابد و کینه‌ی دشمنان پلید را به ناکامی بکشد و فروغ امید را در دل همه‌ی ملت‌های مستضعف جهان برافروزد. «اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ».



مقالات مرتبط

استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی نویسنده: محمد تقی‌زاده انصاری